

موعظه متا فصل 2 ایه 1-12 نوشته شده توسط توماس بن ک

ای برادر و خواهرهای عزیز؛

ما همیشه با روحیه ای سرشار از امید به فرا رسیدن هفته های قبل شب کریسمس می نگرییم و در این روزها جشن هایی برگزار می نماییم ولی بعد از مراسم های متعدد ، بالاخره در شب موعود ، انتظارها به پایان رسیده و عیسی ، پسر خدا در نزد ما می آید. حتی این هفته هم که به معنی ظاهر شدن خدا بر روی زمین می باشد از ظهور خدا در بین ما گواهی می دهد. امروزه این امر کاملا روشن شده است که عیسی فقط برای نجات یهودیان بر روی زمین ظهور نکرده است بلکه برای تمام انسانها. خداوند ما این واقعیت را با ظاهر کردن خود به غیریهودیان انزمان نیز ثابت کرده است. غیریهودیانی که در زمان عیسی از تعداد نفرات کمی نسبت به خود یهودیان بشمار می آمدند. خداوند ما عیسی مسیح در زمان ما هم نیز تمام تلاش خودش را انجام می دهد تا ما با او دیداری داشته باشیم. در زمان تولد عیسی ، خدا به افرادی از مشرق زمین ظاهر می شود که این اشخاص شخصیت های ساده ای نبودند بلکه آنها مردمانی از سرزمین پارس بودند. در اینجا همانطور که شما ایه های این موعظه را گوش داده اید ، می بینید که یک ارتباط خاصی با افراد غیر از قوم خدا یعنی اسرائیل برقرار می گردد.

ما در این داستان به واضح هدایت و راهنمایی خدا و همچنین زمینه سازی تولد عیسی را حس می کنیم و از طرفی شاهد با تقوایی و مطیع بودن این افراد هستیم که چگونه در برابر سرورشان سر تعظیم فرود می آورند. این اشخاص که ستاره شناس و پیشگو بودند در سرزمین پارس ستاره عیسی را مشاهده می کنند و آن را تا کشور اسرائیل دنبال می کنند تا بتوانند پادشاه آن قوم را ببرستند. در این داستان می بینیم که یک چیز متفاوتی رخ می دهد چراکه خدا یکی از نشانه های خودش را قبل از تولد عیسی برای آنها و در سرزمین های دور می فرستد. این ستاره برای این افراد چنان مهم بود که برای دیدن مسیح موعود ، سفری دراز را در پیش رو می گیرند. زیرا آنها بی صبرانه مشتاق دیدار با عیسی بودند.

شماها هم همانند این افراد در مسیر بسوی خدا قرار گرفته اید و حتما نشانه هایی از خدا دریافت کرده اید ولی به احتمال زیاد ستاره نبوده است ولی شاید در خواب عیسی را دیده باشید و یا کسی با شما از عیسی حرف زده باشد. و شاید بعضی از شماها به غرب مهاجرت کرده باشید تا زندگی بهتری را شروع کنید و از زیر بار ستم کشور دیکتاتوری تان بیرون آیید. همینطور هم برادر و خواهرهای سالمند ما که در زمان جنگ جهانی دوم به سرزمین های غربی رانده شدند. حال شما چه فکر می کنید آیا این سفرها و مهاجرت های ناخاسته ، شباهتی با داستان ما و سفر آن ستاره شناسان ندارد؟ بله شما هم این سفر را آغاز کرده اید چون در سرزمین های غربی منتظر اتفاقات بهتری بودید.

بعد از سفری طولانی ، ستاره شناسان به شهر اورشلیم می رسند ، شهری مجلل که معبد اصلی یهودیان در آنجا قرار داشت که هرودیس در آنجا فرمانروایی می کرد. آنها انتظار داشتند که یافتن پسر خدا در زیر سلطه این پادشاه رومی می تواند اسان باشد. پادشاهی که قدرتی زیاد و موفقیت های گوناگونی به همراه داشت ولی

از محبوبیت زیادی برخوردار نبود. در آن زمانی که ستاره شناسان از هیرودیس درباره تولد عیسی پرس و جو می کنند ، وحشت زیادی پادشاه را فرا می گیرد. زیرا او عیسی را یک رقیب قوی برای خود می دانست. و از آن ترس داشت که عیسی رژیم او را از بین ببرد. زیرا او آن حکومت را با قدرت و سرکوب از طرف رومی ها بدست آورده بود. برای همین او تمام سران یهود و رهبران مذهبی را فرا می خواند تا از مکان تولد عیسی باخبر گردد. آنها به او می گویند که طبق گفته های پیامبران پیشین او می بایستی در یک روستایی نچندان مهم به نام بیت الحم تولد یابد و نه در شهری بزرگ مثل اسرائیل و او قرار است قوم خدا را رهبری نماید. در این راستا خدا همچنین در انجیل میکاء می فرماید: "ای بیت الحم افراشته ، هر چند که در یهودا ، روستای کوچکی بیش نیستی با وجود این از تو برای من کسی ظهور خواهد کرد که از ازل بوده است و او قوم من اسرائیل را رهبری می کند"

حال ماجرای سفر شما عزیزان به چه صورت بوده است؟ آیا شما داستانی مشابه به همین ماجرا را داشته اید؟ یعنی آدم یک نشانه و یا علامتی را دریافت می نماید و بعد به همین دلیل عازم سفر می شود. هر کسی در این سفر امکان دارد تا سر از مقصدهای اشتباه درآورد. در آن زمان اورشلیم شهری بزرگ و مهمی بود ولی عیسی بایستی در بت الحم بدنیا می آمد. و یا همینجا در المان که بعضی ها چشمه حیات بخش خود را در دست های قانون و یا فرهنگ نسبتا خوب و یا در دولت دموکراتیک اینجا جستجو می کنند ولی در همین لحظه آدم به سرعت در میابد که به مقصد اشتباهی رسیده است. همین طور که می دانیم در این مسیر نادرست خواسته های پلیدی نیز وجود دارد که ما را همیشه وسوسه می نماید. ولی ما از خداوند سپاسگذاریم که کلام خودش را به سوی ما می فرستد تا چراغ راه مان باشد. کلام خدا مسیر حقیقی عیسی را به ما نشان داده و ما را از راه های متفرقه دور می سازد. حتی او از کسانی برای گسترش کلام خود استفاده می کند که همانند آن سران یهود ، ناخواسته و ندانسته در همچنین موقعیت هایی قرار می گیرند.

ستاره شناسان پارسی بعد از ترک اورشلیم در راه بیت الحم دوباره شاهد ستاره ای بودند که آنها را به مکان تولد عیسی هدایت می کرد. بالاخره آنها بعد از مدتی به محل تولد عیسی مسیح می رسند و صورت زیبای او را مشاهده می نمایند. حال در جلوی آنها نوزادی خوابیده است که : داوود و ابراهیم پیغمبر هر دو جد او هستند ، نام او عیسی می باشد که باعث رهانیدن گناهان قوم خدا خواهد شد ، خداوند او را امانوئل یعنی "خدا با ماست" نامیده است و گوهر با ارزش خدا که در اخوری بدنیا آمده است. عیسی از مادری ساده به نام مریم متولد می شود و این دانشمندان پارسی با توجه به دانش و مقام بالای خود به او ارج می نهند و به پرستش او می پردازند. و با توجه به چهره روشن او کسی ترس و واهی از او نداشت. بله ، مسیح ناجی جهان در آن گهواره خوابیده است و برای همین آن دانشمندان او را پرستش می کنند. و هدایای گران بهای خودشان را به او تقدیم می نمایند.

امروزه در اصل و محتوای دیدار شما با عیسی نبایستی فرقی با دیدار ستاره شناسان آن زمان را داشته باشد. شماها در بیت الحم خودتان و در یک اجتماع کلیسایی با عیسی دیدار می کنید و او خودش را در قالب نان و شراب ، غسل تعمید و کلام خدا به ما عرضه می کند. او با ما از طریق مسیحیان دیگر نیز صحبت می کند.

در این راه چیزهایی وجود دارند که ما نیایستی از آنها ترسی داشته باشیم و در این مسیر نشانه هایی وجود دارد که برای ما مژده مسیح را می دهد و نشانه هایی که ما از ان بخشش گناهانمان و زندگی جاویدان دریافت می نماییم. همه این برکات شامل شما تازه مسیحیان و کسانی که از دوران کودکی در این کلیسا بوده اند را می شوند که هر یکشنبه به مراسم عبادت می ایید. شماها بایستی خوشحال باشید که این امکان را دارید تا برای همدیگر از تجربه ها ، شادی ها و اموخته های خود می گوید. تبادل شادی معنوی مسیحیان ، باعث پر رنگ تر شدن اتحاد کلیسا شده و سبب بالاتر رفتن درجات شما خواهد شد. موهبات و شادی معنوی خدا جایی افزون می شود که او آنها را انجا پخش می نماید. پس ما نباید نسبت به برکات و نعمت های او بی تفاوت باشیم. ما بایستی همانند ان دانشمندان به سوی ان نوزاد رفته و به او تعظیم نماییم و عبادت کنیم و هر چه که در زندگی مان داریم در سبب اخلاص به او هدیه بدهیم که همان ایمان و اطمینان به او می باشد.

در اینجا من باز می گردهم به داستان خودمان در انجایی که دیدار ان ستاره شناسان با عیسی تمام گشته بود و انها بایستی طبق قراری که با هیرودیس داشتند به او خبر محل تولد عیسی را بگویند تا او بتواند پسر خدا را بکشد. ولی از انجایی که خدا مراقب عیسی می بود ، به ان دانشمندان در خواب ندا می دهد که بدون دیدار با پادشاه به شهر خود برگردید و این مژده را به همه بدهید. بدین ترتیب خداوند نقشه شوم شیطان را برهم می زند. ولی این به این معنی نمی باشد که خدا همیشه همه مشکلات عیسی را از او دور می سازد. او فقط تا جایی به او کمک کرد تا عیسی بتواند به هدف اش برسد. یعنی تا به صلیب کشیده شدن ، رستخیز شدن و در کنار او تا ابد به حکمرانی پرداختند. این را ما هم نیایستی فراموش کنیم که خواست خدا این نیست که ما تجربه های سختی را داشته باشیم و یا بایستی متحمل اعتراض ها و تحت فشار قرار گرفتن دیگران باشیم و یا ما در مسیر اشتباهی قرار بگیریم بلکه او همیشه نگران این است که ما در سرزمین مقدس شده او باقی بمانیم و جزئی از ان بشویم و فرقی هم نمی کند که از ایران ، عراق ، منطقه فولکس مارس دورف ، افریقا ، امریکا و یا المان باشیم در هر صورت خدا ما را دور هم جمع می نماید.

به همین خاطر امروز ما اینجا جشن می گیریم و از او برای همه این برکات تشکر می نماییم. امین.